

Explaining the harms of moral education and providing appropriate strategies and solutions from the perspective of the Holy Quran

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Hadigheh Abbasi

How to cite this article

Hadigheh Abbasi, Explaining the harms of moral education and providing appropriate strategies and solutions from the perspective of the Holy Quran, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(1): 207-214.

1. PhD, Department of Philosophy of Education, Iran (Corresponding Author)

* Correspondence:
Email: hadighehabbasi@gmail.com

ABSTRACT

Purpose: The role of moral education in the growth and excellence of individuals and societies has been discussed in different human religions and teachings have been introduced for it, the attention of the divine books and prophets and thinkers in every nation and nation towards moral values with The existence of moral capacities in any society depends on the religious resources of that society. This research seeks to explain the harms of moral education and provide appropriate strategies and solutions from the perspective of the Holy Quran to deal with these harms.

Method: The method of conducting the research is descriptive-analytical and by referring to library sources and searching in virtual space.

Findings: The findings of this research show that the harms of moral education include individual, social and educational and propaganda systems and are affected by the role of individuals, society, educational and propaganda institutions, media, government and governmental institutions. And the Holy Qur'an, as the only divine book that is not distorted, has appropriate instructions and solutions for these injuries.

Conclusion: The educational methods of the Holy Quran are based on attention to the humanity of its audience, and with a detailed understanding of human requirements, it has irrefutable teachings for the harms in the field of education, especially ethics, that learning and observing them is the best way to remove harm from moral education.

Keywords: Holy Quran, strategies, solutions, moral education, pathology.

تبیین آسیب های تربیت اخلاقی و ارائه راهبردها و

راهکارهای مناسب از منظر قرآن کریم

حدیقه عباسی

دکتری تخصصی، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: نقش تربیت اخلاقی در رشد و تعالی افراد و جوامع، در ادیان و مذاهب مختلف بشری مورد بحث بوده و برای آن تعالیمی وارد شده است، توجه کتابهای آسمانی و پیامبران و اندیشه ورزان در هر قوم و ملتی نسبت به ارزش های اخلاقی با وجود ظرفیت های اخلاقی موجود در هر جامعه، معطوف به منابع دینی آن جامعه است. این پژوهش در پی تبیین آسیب های تربیت اخلاقی و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب از منظر قرآن کریم برای مقابله با این آسیبها است.

روش: روش انجام پژوهش، توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه ای و جستجو در فضای مجازی صورت گرفته است. یافته ها: یافته های این پژوهش نشان می دهد که آسیب های تربیت اخلاقی اعم از آسیب های فردی، اجتماعی و نظام های تربیتی و تبلیغی و متأثر از نقش افراد، اجتماع، نهادهای تربیتی و تبلیغی، رسانه ها، دولت و نهادهای حکومتی است و قرآن کریم به عنوان تنها کتاب آسمانی تحریف نشده برای این آسیب ها هنمودها و راهکارهای مناسب دارد.

نتیجه گیری: شیوه های تربیتی قرآن کریم، مبتنی بر توجه به بشر بودن مخاطبش دارد و با شناخت دقیق از اقتضائات بشری، برای آسیب های حوزه تربیت بویژه اخلاق، آموزه های بی بدیلی دارد که فراگیری و رعایت آنها بهترین راهکار آسیب زدایی از تربیت اخلاقی است.

کلیدواژه: قرآن کریم، راهبردها، راهکارها، تربیت اخلاقی، آسیب شناسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

*نویسنده مسئول: hadighehabasi@gmail.com

مقدمه

اسلام و معجزه جاودان پیامبرش به عنوان کامل ترین دین الهی و آخرین کتاب آسمانی، بهترین و فراگیرترین برنامه زندگی را برای جامعه بشری فراهم کرده است. این برنامه ی جهان شمول و جامع، زندگی مادی، معنوی، انسان را در دنیا و آخرت در بر می گیرد، شاهد مدعا این آیه ی قرآن کریم است که می فرماید ما در کتاب از بیان چیزی فروگذار نکردیم: (۱). در خصوص بد آموزی می توان به آیه یازدهم سوره یوسف اشاره کرد که یعقوب خطاب به برادران یوسف گفت: من از بردن او محزون می شوم و می ترسم که گرگ او را بخورد و شما از او غافل باشید، در تفسیر آیه آمده است قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ، از بردن یوسف من اندوهناک می شوم، چون محبت و علاقه ی من به او زیاد و صبر من از دوری او اندک است. وَ أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذُّبُّ می ترسم که گرگ او را بخورد. بعضی گفته اند: یعقوب علیه السلام از ترس حسد و کینه ی آن ها توصیه کرده، و اظهار نموده که از گرگ صوری می ترسد. چنانچه در خبر است: دروغ را تلقین نکنید تا دروغ بگویید، که فرزندان یعقوب نمی دانستند که گرگ انسان را می خورد تا این که پدرشان به آن ها تلقین نمود. (۲) چه آنکه در خصوص رفتار پذیری کودک از والدین گفته شده: مؤثرترین عامل در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان رفتار درست والدین و دیگر افراد خانواده است، زیرا زبان رفتار از زبان گفتار نافذتر است و در عمل آثاری نهفته است که هرگز از گفتار بر نمی آید کودک و نوجوانی که پیوسته شاهد اعمال نیک والدین و اطرافیان است به طور غیر مستقیم سرمشق می گیرد و به انجام کارهای دینی ترغیب می شود. (۳)، در قرآن کریم به الگو سازی و تبیین علت رفتارها در بحث تربیت دینی اشاره شده است: «با بی اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر روی زمین راه مرو؛ زیرا که خداوند انسان متکبر و فخر فروش را دوست نمی دارد» (۱۱۸) که چرایی رفتار(دوست نداشتن انسان متکبر از سوی خدا) تبیین شده است و لقمان به مسائل اخلاقی در ارتباط با مردم و خویشتن پرداخته، نخست تواضع و فروتنی و خوشرویی را توصیه کرده و سپس فرزند را از غرور و رزوی و تکبر پرهیز داده و با اشاره به دو صفت بسیار ناپسند، یعنی تکبر و بی اعتنایی، و دیگر غرور و خودپسندی که سبب از هم پاشیدن روابط صمیمانه اجتماعی است، فرورفتن انسان در عالمی از توهم و پندار و خود برتر بینی و قطع رابطه اش با دیگران را محصول این دو صفت ناپسند می داند. در سراسر آیات نورانی قرآن کریم، شاهد مدل های تربیتی مناسب و به دور از بد آموزی هستیم. قرآن، تربیت را مسئولیتی خانوادگی و مشترک میان والدین می داند. آیه های متعددی تاکید می کنند پدر و مادر باید با همکاری و رفاقت فرزندان را تربیت کنند. علاوه بر آن، قرآن تاکید می کند والدین باید با لطافت، مهربانی و حوصله کافی به فرزندان بیاموزند و آن ها را به سمت اخلاق های نیک هدایت کنند.

اخوت و برادری، وحدت و یکپارچه‌نگری، تحلیل و ریشه‌یابی سطح اخبار و دوری از موانع مختل‌کننده و سلبی مانند سوءظن، عیب‌جویی، غیبت، تمسخر و دادن القاب ناروا به دیگران به بررسی سوره حجرات پرداخته‌اند.

مفهوم لغوی تربیت

تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»؛ افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است، لسان‌العرب می‌نویسد: «ربا الشیء یربو ربواً و ربا: ای زاد و نما» هم‌چنین تربیت از کلمه «رب» به معنی مالک، سید و مربی اشتقاق می‌یابد و این‌گونه معنی می‌شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده «رب ولده و الصبی یربه ربا» یعنی کودک خود را نیکو تربیت کرد و برای او به نحو شایسته انجام وظیفه نمود. این کلمه گرچه مصدر است ولی برای فاعل به صورت استعاره تبدیل به اسم شده است. و گفته شده: «و لا یقال الربّ مطلقاً إلا لله تعالی المتکفل بمصلحة الموجودات، نحو قوله: (بَلَدَةٌ طَبِیَّةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ) یعنی رب بطور مطلق و بدون قید و یا اضافه فقط برای پروردگار متعال در قرآن به کار برده شده است.

«تربیت» مصدر «رَبَّی یربّی» تنها دوبار، آن هم به صورت فعل در قرآن کریم به کار رفته است، ولی «واژه‌های هم خانواده» آن همانند کلمه «رب» زیاد به کار رفته است و به نظر می‌رسد که مهم‌ترین دغدغه انبیا (ع) نقش تربیتی آنها بوده است. اگر بخواهیم کلمه «رب» را با کاربردهایی که در قرآن دارد، بررسی کنیم، می‌بینیم بیشتر درگیری‌هایی که پیامبران با طاغوت‌های زمان خود داشته‌اند در زمینه خالقیت خداوند نبوده، بلکه درباره ربوبیت او بوده است؛ مثلاً در داستان حضرت موسی (علیه السلام) و فرعون، موضوع «أَنَا رَبُّکُمُ الْأَعْلَى» (نازعات/۲۴) مطرح می‌شود که نشان می‌دهد فرعون می‌خواهد این نقش تربیتی و ربوبیت را مطرح کند. یا در مورد خود پیامبر اکرم (ص) در مقابله ایشان با مشرکان، قرآن می‌فرماید: «و لئن سألْتَهُمْ مَن حَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَیَقُولَنَّ اللَّهُ» (۱) آن‌ها در مسأله خالقیت مشکلی ندارند، مشکل در مسأله ربوبیت است همین‌طور نمود با حضرت ابراهیم (ع) در مورد ربوبیت خداوند به احتجاج می‌پردازد: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الذِّی حَاجَّ إِبْرَاهِیمَ فِی رَبِّهِ...» (بقره/۲۸۵) و ظاهراً همین مسأله ربوبیت الهی است که تنزل پیدا می‌کند و ما در حیات اجتماعی، نام آن را «تربیت» می‌گذاریم. (۸)

تعریف تربیت:

با در نظر گرفتن مفهوم لغوی، می‌توان گفت تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب و ایجاد شرایط و عوامل لازم برای کمک به شخص مورد تربیت، در خصوص پرورش استعدادها نهفته، در تمام ابعاد وجودی خویش و به‌طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و وص هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند.

در تعریف اصطلاحی تربیت تعریف‌های گوناگونی دیده می‌شود که دانشمندان مختلف طبق تخصص و دیدگاهشان نسبت به انسان و

ذکر بعضی از توصیه‌ها و اصول تربیتی قرآن برای تکمیل این بحث خالی از فایده نیست:

آیه ۱۷ سوره تلقی: «و وَصَّیَا زَکَرِیَّا اِبْنَهُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰی لَکَ الْکِتٰبَ وَجَعَلَکَ نَبِیًّا» در این آیه زکریا به پسرش توصیه می‌کند که خداوند تو را برای درک کتاب، منتخب ساخته است و در آیه ۹ سوره مؤمنون: «وَاَمَّا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فِیْوَقِیْهِ اَجْرَهُمْ» این آیه تأکید می‌کند کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، ثواب خود را خواهند یافت.

پیشینه پژوهش:

در حوزه تربیت اخلاقی، معطوف بر آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی، مطالعات زیادی صورت گرفته است که به بعضی از آنها، به شرح ذیل اشاره می‌شود:

- پژوهش فردوسی و ارزانی (۴) به «آسیب‌شناسی صفات اخلاقی نکوهیده در داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته که نتایج آن بیانگر شناسایی و دسته‌بندی آسیب‌های اخلاقی در حوزه‌های فردی و اجتماعی بر اساس مفاهیم این سوره است.

- پژوهش کهنوجی (۵) به مطالعه و شناسایی مولفه‌های تربیت اخلاقی در خطاب‌های آیات قرآن "یا ایها الذین آمنوا" با استفاده از روش تبیینی - تحلیلی پرداخته است.

- پژوهش سید باقری و ملا شفیعی (۶) به شناسایی آسیب‌شناسی اخلاقی - اجتماعی در جامعه اسلامی و راه‌های برون رفت از آن بر اساس سوره بقره با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد پروردگار متعال در روند نزول آیات، گام به گام و به‌طور تدریجی به معرفی آسیب‌های برآمده و راهکارهایی چون انفاق، برپایی نماز، بردباری و... را برای برون رفت از آنها در قرآن کریم ذکر کرده است.

- پژوهش ابوالحسنی نیارکی (۷) با عنوان «آسیب‌شناسی رشد اخلاقی در زیست اجتماعی - اسلامی از منظر قرآن، با روش تحلیلی انجام شده و نتایج آن مبین هندسه اخلاقی قرآن شامل اخلاق بین‌شخصی و جامعه‌نگر و بیانگر نگاه جامع‌سبک زندگی قرآنی به عوامل و موانع رشد اخلاقی - اجتماعی است و در مقام آسیب‌شناسی به آسیب‌های خرد و کلان اشاره کرده است.

- پژوهش حسینی محمدآباد (۹) با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی در ایران معاصر» با روش توصیفی تحلیلی و مراجعه به منابع مکتوب صورت گرفته و یافته‌های آن نشان می‌دهد، آسیب‌های تربیت اخلاقی در ایران معاصر درحوزه‌های فردی، اجتماعی، آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قابل ارزیابی است و راهکارهایی هم برای این آسیب‌ها بیان شده است.

- شکر بیگی مروتی و قاسمی (۸) در مقاله خود با بیان مولفه‌هایی مانند رعایت ادب و احترام، انجام تمام امور بر اساس معیارهای دینی، پیشی‌نگرفتن بر دستورها و تعالیم خداوند و رسول اکرم (ص)، آگاهی از نظارت دائمی خداوند متعال بر بندگان، انضباط اجتماعی،

هدف زندگی او بیان کرده اند. به طور کلی می توان چنین بیان داشت که تربیت در اصطلاح عبارت است از فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، عاطفی، و به طور کلی پرورش و شکوفایی استعدادهای متربی به گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت متربی به ویژه در رفتارهای او ظاهر خواهد شد. تعریف تربیت اخلاقی:

تربیت اخلاقی، فرایند زمینه سازی و به کارگیری شیوه هایی برای شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح یا از بین بردن صفات، رفتارها و آداب غیر اخلاقی در خود انسان یا دیگری است (۹) در جوامع دینی و مذهبی تربیت اخلاقی عامل تأثیرگذار در سعادت فردی و اجتماعی دانسته شده و مباحث بسیاری نظیر تغییرپذیری اخلاق، تأثیرگذاری تربیت بر اخلاق، شیوه درمان بیماری های اخلاقی، کیفیت تخلق به اخلاق حسنه روش تغییر اخلاق و... به این مفهوم اختصاص داده شده است، این عناوین در آثار فارابی، ابن سینا، ابن مسکویه، غزالی، فیض کاشانی و... موجود است. ابن مسکویه می گوید: انسان در پرتو تربیت اخلاقی از رذایل و صفات نکوهیده می رهد و به فضایل و خصلت های ستوده آراسته می گردد. فضایل با تکرار اعمال شایسته به تدریج در نفس رسوخ یافته، ملکه نفسانی می گردد و پس از آن، افعال نیکو از فرد سر می زند و او از انحطاط و پستی رهایی یافته رو به سوی تعالی می نهد. بنابراین آثار دانشوران و عالمان مسلمان در اخلاق آمیخته به تربیت اخلاقی است.

اگر مفهوم کلمه تربیت را از فرهنگ لغات عرب بدوی و جاهلی یا معاصر بدست آوریم در آن صورت معنی آن چیزی بیش از پرورش نخواهد بود، ولی وقتی تزکیه که در تعلیم و تربیت اسلامی هدف تربیت است را به عنوان هدف تربیت اسلامی مورد توجه قراردهیم معنی و مفهوم تربیت از محدوده ی تنگ و کوتاه آن در زبان (تازی) بیرون آمده و معارف ملکوتی و عرفانی تزکیه را به همراه خود می آورد و به صورت کلمه ای اسلامی و قرآنی ونه عربی متجلی می شود. در آن صورت مفاهیم عظیم و عمیق و وسیعی را در بر خواهد گرفت. زیرا در تعلیم و تربیت اسلامی کلمه تربیت با توجه به تحقق آن در مدرسه تزکیه و با توجه به نتایج و ثمرات تزکیه که حکمت می باشد، مطرح می گردد. (۵)

اصولی ترین هدفهای رفتاری در نظام تربیتی اسلام: استعدادهای عقلی، قلبی، و ارادی اگر به اندازه ای رشد کنند که فقط بتواند مانع از فساد و گسیختگی در شان انسانی توسط نیروی غریزی شوند، یقیناً گرایشات فطری و الهی که ویژه ی حیات انسانی است، در رفتار انسان متجلی می گردد. از اصلی ترین هدفهای رفتاری در نظام تربیتی اسلام می توان به «حقیقت جویی»، «عشق و تعبد و پرستش و کمال خواهی» و «خیرخواهی و نیکی» و ... اشاره کرد. (۱۰)

حقیقت جویی: رشد و تعالی روح حقیقت جویی انسان ز اصلی ترین هدفهای تربیتی اسلام است در این باره نظر علامه مطهری این

است که: خداوند انسان را حقیقت طلب آفریده است، یعنی انسان می خواهد حقایق را آنچنان که هست بفهمد، می خواهد اشیاء را آنچنان که هستند بشناسد و درک کند و این فرع بر این است که انسان خودش را نسبت به حقایق بی طرف و بی غرض نگاه دارد. اگر انسان خودش را بی غرض نگاه دارد و بخواید حقیقت را آنچنان که هست کشف کند نه اینکه بخواید حقیقت آن طور باشد که او دلش می خواهد، یک وقت انسان مدعایی را پیش خودش فرض کرده، بعد می خواهد حقیقت آن حوری باشد که او دلش می خواهد. این منشا گمراهی است. در آیات سوره ی نجم این هست که یکی از منشاهای گمراهی افراد این است که هوای نفس را در تشخیص خود دخالت می دهند. اگر انسان بی غرضی خودش را نسبت به حفظ کند - که بسیار مشکل است - خداوند او را هدایت می کند. (مطهری، ۱۳۸۲: ۴۰۰) وَ الَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا، نُنْهَدِیْهُمْ سَبْلَنَا، وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِیْنَ / و کسانی که در راه ما جهاد می کنند، ما ایشان را حتماً به راه های خود هدایت می کنیم، و بدرستی خدا با نیکوکاران است.

عشق تعبد و پرستش و کمال خواهی: از دیگر اهداف تربیتی اسلام، تعبد و پرستش او به واسطه رفتار عبادی است. عبادت و پرستش خداوند، نوعی رابطه خاضعانه و ستایش گرانه و سپاس گزارانه است که انسان با خدا برقرار می سازد و به دو صورت لفظی و عملی می باشد. اگر از عبادت به معنای هدف تربیتی یاد می شود، به خاطر کسب و پرورش روحیه عبودیت و بندگی است و این که انسان همواره نسبت به خدا، حالتی خاضعانه و خاشعانه داشته باشد و از نظر قلبی احاطه او را بر رفتار و نیت خود ببیند، این تفکر او را از خطا و گناه در عمل و رفتار و حتی از انحراف فکری باز داشته و باعث تعالی فرد می شود. وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لَیْعْبُدُونِ. (ذاریات/ ۵۶)، علامه مطهری حس نیایش و پرستش را از خصایص ویژه ی انسان می داند که بدون آن انسان ناقص است: «یکی از اموری که از استعداد های خاص انسانی شمرده می شود مساله ی نیایش و پرستش است. این حس یک حس انسانی است، در تربیت اگر بنا بشود تربیت کامل باشد، یک انسان کامل یا نیمه کامل، این قسمت از وجودش نمی تواند تعطیل باشد، کما اینکه هیچ قسمت دیگر از قسمتهای اصیل وجود او نمی شود تعطیل باشد. هر قسمتی از قسمتهای وجود انسان، چه حیوانی اش و چه انسانی محض، اگر تعطیل بشود او یک انسان ناقص است. (۱۱)

خیر خواهی و نیکی: خیر خواهی و نیکی به دیگران نیز از اهداف تربیتی اسلام است، خداوند در قرآن کریم بنی اسرائیل را خطاب قرار داده و می فرماید: «اَتَاْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَ اَنْتُمْ تَتْلُوْنَ الْکِتَابَ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ». شما که کتاب آسمانی می خوانید چگونه مردم را به نیکی فرمان می دهید و خودتان را از یاد می برید چرا به عقل در نمی آید» (۱) لذا فرهنگ تربیتی اخلاقی و اعتقادی قرآن، انسان را از خودخواهی و انحصار طلبی در همه شئون زندگی، بازداشته و به نوع دوستی و احسان به دیگران دعوت می کند.

آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی:

آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی، به معنای شناخت آسیب‌های این حوزه است که از ناحیه مربی، اهداف، روش‌ها، و... متوجه این ساحت از تربیت شده و موجب اختلال در آن می‌شود. از جمله آسیب‌های تربیت اخلاقی تربیت تحمیلی است، به این معنی که مربی بدون در نظر داشتن ویژگی‌های تحولی مربی، علایق، رغبت‌ها و نیازهای او را نادیده انگاشته و با نوعی برنامه ریزی از پیش تعیین شده و ارتباطی یک جانبه و بدون زمینه سازی مناسب، اقدام به تربیت نماید. (۱۲)

این آسیب از حیث تاثیر گذاری اخلاقی و انتقال بینش و تفکر غلط اعتقادی به متربیان است و اگر اعتقاد و بینش غلط یا رفتار ناصحیح در وجود متربی رسوخ کند اصلاح آن به سختی ممکن است. زیرا آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به متعلم انتقال می‌یابد تنها معلومات و مهارت‌های معلم نیست، بلکه تمام صفات، خلقیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می‌شود.

بعضی از عوامل آسیب‌زا، در تربیت اخلاقی:

اجبار: بارزترین نمونه تربیت تحمیلی شامل نوعی اعمال زور و اجبار در پابندی به رفتارهای اخلاقی است. «اجبار» از ماده «جبر» و به معنای وادار ساختن کسی بر کاری و اکراه و الزام او بر انجام آن است. بنابراین، هرگاه مربی، متربی خود را با اکراه و الزام به انجام فعلی اخلاقی وادار کند، او را «مجبور» به اجرای آن کرده است (۱۳) «نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مِنَ يَخَافُ وَعِيدِ». (۱) خداوند در این آیه جبار بودن را از پیامبر نفی کرده است. جوهری می‌نویسد: «اجبرته علی الامر» بدین معناست که او را بر آن کار اکراه کردم. (۱۴)

یک دیدگاه: در قرآن کریم از مؤمنان خواسته شده است که «خانواده» خود را از آتش جهنم «حفظ» کنند. بر اساس این فرمان الهی، هر شخص علاوه بر اینکه نسبت به «حفظ خویش» مسئولیت دارد و باید از سقوط خود به جهنم جلوگیری کند، نسبت به بستگان خود نیز همین مسئولیت را بر عهده دارد و نباید اجازه دهد که آنان به هلاکت و نابودی گرفتار شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» نراقی از علمای برجسته علم اخلاق در توضیح این آیه می‌گوید: «منظور از محافظت اهل و عیال از آتش آن است که ایشان را شریعت بیاموزد، و بعد از آموختن، در به جا آوردن آنها سعی نماید. ابتدا به موعظه، ارشاد، رفق و مدارا ایشان را بر تحصیل و به جا آوردن بدارد و اگر مسامحه کنند، باز موعظه و نصیحت کند و اگر یقین نمود که به «رفق و مدارا» اثر نمی‌کند، به زبان ایشان را «برنجاند» و اگر فایده نکرد، «تهدید» و تخویف نماید و اگر فایده نبخشید، «تنبيه جزئی» کند (۱۴)

دیدگاه دیگر: اجبار، شیوه درستی برای درونی سازی امور اخلاقی در نزد متربی به شمار نمی‌رود و حتی خداوند متعال، که از حق اجبار

بندگان خود برخوردار است، هرگز آنان را به بیمودن طریق هدایت مجبور نکرده و به پیامبرش فرموده است: «وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سَلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ» و اگر اعراض و بی‌اعتنایی آنان بر تو سنگین است (و بخواهی به هر وسیله آنان را به راه بیاوری)، اگر بتوانی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا آیه ای بر ایشان بیاوری، (باز هم ایمان نخواهند آورد) و اگر خدا بخواهد، همه آنان را بر هدایت گردهم می‌آورد (ولی سنت الهی این نیست). پس تو هرگز از جاهلان مباش» (۱)

تنبيه: در اصطلاح عبارت است از «دور ساختن چیزی از ارگانسیم {جاندار} که خواستار آن است، یا دادن چیزی به آن که طالب آن نیست، به اعتبار محرک‌های تنبيه کننده، تنبيه دو نوع است:

(۱) تنبيه بدنی، به محرک‌های تنبيه کننده نخستین که ذاتاً خاصیت تنبيهی یا آزارنده دارند گفته می‌شود: (آس ربر، ۱۳۹۳: ۱۰۳) مانند: ضربات چوب و شلاق که مستقیماً خاصیت آزارندگی جسمی دارد.

(۲) تنبيه روحی یا روانی، به محرک‌های تنبيه کننده ثانوی (شرطی) گفته می‌شود. محرک‌هایی که در ابتدا خاصیت تنبيه کنندگی نداشته‌اند، اما در اثر مجاورت با محرک‌های تنبيه کننده نخستین خاصیت تنبيه کنندگی پیدا کرده‌اند؛ مانند: دشنام دادن، توهین کردن، اخم کردن، شماتت کردن و... (همان)

یک دیدگاه: اینکه آیا تنبيه اثرات مثبت تربیتی دارد یا خیر، شواهد متعدد وجود دارد که تنبيه پیامد منفی دارد نه اثرات مثبت، هرچند تنبيه به طور سریع رفتار تنبيه شده را متوقف می‌کند ولی این توقف به معنای این نیست که رفتار بطور کامل متوقف می‌شود، رفتار تنبيه شده پس از آنکه تنبيه به پایان رسید، همچنان در خزانه رفتاری فرد باقی مانده و تا زمانی که عامل تنبيه کننده حاضر و ناظر است، پنهان می‌ماند. ولی به محض اینکه عامل تنبيه کننده ضعیف شد یا از میان رفت آن رفتار مجدداً ظاهر می‌شود. تنبيه اغلب به فرد تنبيه شونده پیام می‌دهد که چه کار نکنند نه اینکه چه کار بکنند و می‌توان گفت تنبيه تنها پاسخی نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگری می‌سازد.

دیدگاه دیگر: برخلاف برخی نظام‌های تربیتی، از نظر اسلام و قرآن، اصل تنبيه به طور مطلق محکوم نبوده، بلکه در جای مناسب خود لازم است (۱۵) تنبيه و مجازات درست و طبق آداب، روشی مناسب برای بیدارکردن، هشیارساختن و ادب کردن آدمی و جدا کردن او از بدی و کجی بوده و در اصلاح فرد و جامعه نقشی اساسی ایفا می‌کند (۱۶) آیات زیادی از قرآن از توبیخ، تهدید و عذاب اقوام و افراد سخن می‌گویند و نیز آیات مربوط به حدود و قصاص و تعزیرات، با موضوع تنبيه پیوند دارند. یکی از روش‌های باز دارنده خداوند در قرآن کریم، بازگوکردن داستان اقوام، ملل، یا

افرادی است که به علت سرکشی و طغیان و عدم تسلیم در برابر اوامر الهی به عذابها و عقوبت‌های سخت مبتلا شده اند، مانند مجازات ابلیس به دوری از رحمت الهی و رانده شدن از بهشت به

ورزیدن و تخلف از فرمان پروردگار در سجده کردن به آدم (ع) : « قَالَ فَأَخْرَجُ مِنْهَا فَايُكَ رَجِيمٌ » (۱) و عقوبت قوم لوط به بارانی از سنگ « فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابَةً مِنْ سَجِيلٍ مَنْضُودٍ » (۱) اما از آنجا که انسان از نگاه دینی مقام ارجمندی دارد. قرآن صراحتاً به کرامت و برتری انسان اشاره می‌کند « وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا » (۱) علامه طباطبایی در تفسیر این می‌گوید که آیه همه انسانها اعم از دینداران، مشرکین، کافران و منافقین را شامل می‌شود. (۱۷) بنابر این انسان از آن جهت که انسان است مورد تکریم و فضیلت خداوندگارش قرار دارد و اختصاص به قشر خاصی ندارد. لذا با توجه به مقام و شأن بالای انسان، سزاوار است در مسائل تربیتی به جای استفاده از تنبیه و روشهای تنبیهی، حرمت و کرامت انسانی متربی نگه داشته چرا که تنبیه تحقیر را در پی دارد و تحقیر و تنبیه با کرامت انسان سازگاری ندارد.

سخت‌گیری: ذات تربیت در محبت است. مربی که این نکته را باور داشته باشد، در تربیت مدارا و ملایمت را بر همه چیز ترجیح می‌دهد، مبنای اخلاق هم بر عشق و محبت است. آدم‌های اخلاق مدار به طور معمول، مهربان و گشاده رو هستند. البته در مراتب بالای اخلاقی و آنجا که خود فرد اخلاق را به عنوان مسیر زندگی‌اش برمی‌گزیند، ریاضت‌ها و سختی‌های خودخواسته شروع می‌شود (۱۸)

عدم سخت‌گیری از اصول مهم در امر تعلیم و تربیت است. البته مفهوم این اصل این نیست که مربی در مقابل تربیت متربی خود بی تفاوت باشد، بلکه در تربیت باید حد وسط را رعایت کرد. افراط و تفریط در هر چیزی ناپسند است، به خصوص در تربیت، که تأثیری مخرب دارد، نقطه مقابل سخت‌گیری « تسهیل » و « تسیر » به معنای آسان کردن و سهل گرداندن است (فرهنگ معین) یعنی در هر حرکت تربیتی، راه‌های آسان و میسر به روی متربی گشوده شود تا میل و رغبت به رفتن به سوی فرمانها در او فراهم شود. سنت الهی نیز در تربیت بر پایه تسهیل قرار گرفته است و خدای رحمان کتاب عزیزش را به گونه‌ای قرار داده است که فهم مقاصدش برای خاص و عام آسان باشد و هر کس به اندازه فهم و ادراک خود از آن بهره ببرد. سنت الهی چنین است و خدای مهربان شریعت خود را سهل و آسان قرار داده است (۱۹) « وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ » (۱) و « وَ مَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ » (۱)

راهکارهای قرآن در رفع آسیبهای تربیت اخلاقی
الگو سازی صحیح و معرفی مقتدا: شاید بتوان گفت که مهم‌ترین و کاربردی‌ترین نوع تربیت و یاد دهی، ارائه الگو، و بهترین شکل یادگیری و تربیت‌پذیری « سرمشق‌گیری و الگوپذیری » و از بهترین

شیوه‌های ایجاد محیط تربیتی مساعد، پدید آوردن الگوهای شایسته در آن محیط و جامعه و طرد الگوهای ناشایست است. وجود الگوهای محبوب در جامعه به خودی خود، افراد آن محیط را به سوی این الگوها سوق داده و الگو برداری از مکارم اخلاقی ایشان را ترغیب می‌کند. امروزه برخی از روان‌شناسان رفتارگرا مانند بندورا، یادگیری و تربیت را به شدت متأثر از الگو برداری و سرمشق‌گیری می‌دانند (۱۵) وی عقیده دارد که: « برای تغییر رفتار از سرمشق‌گیری استفاده می‌شود که در آن آزمودنی‌ها را و می‌دارند تا سرمشق را در موقعیتی که برای آنها ترس‌آور و یا اضطراب برانگیز است مورد مشاهده قرار دهند (۱۸) قرآن کریم به عنوان کتابی که هدف آن هدایت بشر است، الگوهایی را برای انسان معرفی کرده است، از جمله :

۱. پیامبر اسلام (ص)

یکی از صفاتی که خداوند با آن پیامبرش را معرفی می‌فرماید، الگو و سرمشق نیکو بودن است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: « لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا » (قطعاً برای شما در [آقدا به] رسول خدا(ص) سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند. (۱)

۲- حضرت ابراهیم(ع) و یارانش

خداوند حضرت ابراهیم(ع) و پیروان او را الگو معرفی کرده و می‌فرماید: « قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ » (قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست. آن‌گاه که به قوم خود گفتند: « ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم (۱) و باز با تأکید بیشتر (لقدکان) بیان می‌دارد که ابراهیم و همراهانش الگوی شما هستند: « لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْحَمِيدُ » (قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکوست [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می‌بندد. و هر کس روی برتابد [بداند که] خدا همان بی‌نیاز ستوده [صفات] است. (۱)

۳- زنان الگو: قرآن، آسیه همسر فرعون و حضرت مریم را به عنوان الگوهایی برای مؤمنان ذکر می‌کند. چه آنکه آنان با وجود محیط ناسالم، طریق صلاح و رستگاری را برگزیدند. « وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرَعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهر کافرش بیزار) جست و عرض کرد: بار الهی (من از قصر فرعون و عزت دنیوی او گذشتم) تو خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون (کافر) و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش « وَ نَبِيٍّ وَ مَرِيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَفَتَحْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كَتَبْنَا مِنْ الْقَاتِنِينَ وَ نَبِيٍّ مَرِيَمَ دَخَتْ

مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی فانّ الجنّة هو المآوی» هر کس از مقام پروردگار خود هراسان باشد و نفس را از هوای باز دارد بهشت جایگاه او خواهد بود. (۱)

در مقام تبشیر و نقش آن در خودسازی، مژده دادن به نفس و بشارت دادن به آن که هر عمل صالح و پسندیده‌ای از او سر بزند اولاً در پیشگاه خداوند محفوظ مانده و هیچ کاری از او فوت و فراموش نخواهد شد. (۱) و بی کم و کاست در لوح اعمال ما ثبت گردیده (۴) و ثانیاً: پادشاه آن به صورت بسیار انبوه و بی مرز به ما خواهد رسید (۱) خود نیروی محرک و پر قدرتی خواهد ساخت که تحمل هر مشکلی را در راه کسب مقامات معنوی و انسانی آسان خواهد نمود. قرآن کریم می‌فرماید: «... انما یوفی الصّابرون اجرهم بغير حساب» صابران اجر بی حساب دارند. (۱) و نیز می‌فرماید: «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللّهِ کمثل جنّة انبت سبع سنابل فی کل سنبله ماء حبه و اللّهُ یضاعف لمن یشاء و اللّهُ واسع علیم» آنچه آنان در راه خدا انفاق می‌کنند مانند دانه‌ای گندم است که از آن هفت سنبل می‌روید و در هر سنبل صد دانه به وجود می‌آید و خداوند برای هر کس بخواهد فضل خود را افزایش می‌دهد و خداوند رحمت گستر و داناست (۱)

بحث و نتیجه‌گیری:

آموزه‌های ناب قرآن برای تربیت انسانها، در نهایت دقت و درستی بیان شده است و قطعاً رعایت آنها انسان را به هدف نهایی که همانا شناخت و قرب الهی است می‌رساند. قرآن کریم کتاب هدایت است و برای تربیت انسان نازل شده و بر این اساس، مهم‌ترین وظیفه پیامبر اسلام (ص) تعلیم و تربیت بوده است. از این رو، زبان قرآن، زبان آموزش و پرورش و زبان هدایت است. قرآن شیوه‌های متفاوتی را به کار گرفته است تا انسان را به کمال روحی و معنوی‌اش برساند. در حوزه بیان قرآن، نمی‌توان از یک نوع زبان سخن گفت، بلکه به باید زبان ترکیبی قرآن را مطرح کرد و آن را با عنایت به شیوه‌های خاص بیان قرآنی تبیین نمود که مهمترین جنبه‌های آن عبارتند از داشتن: جنبه‌های ظاهری و باطنی، منطقی و استدلال، حقیقت و مجاز، تشبیه و استعاره، و: بیان احساسات و عواطف، رمز و اشاره، قصه و تمثیل، عرف و جدل، و تعلیم و تربیت. به گفته‌ی شهید مطهری، هرگاه مخاطب قرآن عقل انسان است و با زبان منطقی و استدلال سخن می‌گوید مانند دعوت به تفکر در خلقت زمین و آسمان «لن فی خلق السّموات والأرض واختلاف اللیل والنهار لآیات لأولی الأبواب»؛ مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های روشنی برای خردمندان است و هرگاه مخاطب قرآن دل انسان است و می‌خواهد با قلب او سخن بگوید و دل وی را متحوّل سازد زبان احساس و عواطف می‌گشاید و... لذا می‌توان گفت از نظر شهید مطهری، قرآن دارای زبان ترکیبی با جنبه‌های گوناگون است که به فراخور استعداد مخاطبان سخن می‌گوید تا هیچ‌یک از آنان، اعم از عالم، فیلسوف، متوسط و سطح پایین، از قرآن احساس بی‌نیازی نکنند. (۲۱) در این پژوهش دریافته‌ایم که شیوه‌های تربیتی

عمران را (مثل آورد) که رحمتش را پاکیزه داشت و ما در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم، و او کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی او را (با کمال ایمان) تصدیق کرد و از بندگان مطیع خدا به شمار بود. (۱) نمونه‌های دیگر معرفی الگوها در قصص قرآن کریم فراوان است، اصحاب کهف در هجرت از محیط ناسالم برای حفظ ایمان و رشد و هدایت، یوسف پیامبر، قهرمان مقاومت در برابر کید شیطان و نیرداختن به گناه، اسماعیل به عنوان نماد تسلیم در برابر امر خدا، نوح الگویی استقامت و پایداری در تبلیغ دین خدا، ایوب قهرمان صبر در برابر شداید، داود قهرمان شجاعت در مبارزه با طاغوت و... که قرآن در باره این افراد می‌فرماید: «أولئک الذین هدی اللّهُ فیهدهم أفقده قل لا أسألکم علیہ أجرأ إن هو إلا ذکرى للعالمین/ آنها کسانی بودند که خدا خود آنها را هدایت نمود، تو نیز از راه آنها پیروی نما، و (امت را) بگو که من مزد رسالت از شما نمی‌خواهم، این نیست جز یاد آوری و پندی برای اهل عالم (که به یاد خدا متذکر شوند).» (۱)

a. یاد آوری سرگذشت پیشینیان: از محورهای تذکر- به عنوان شیوه‌ای تربیتی که به دور آسیب است - در قرآن کریم، بازگویی سرگذشت اقوام پیشین است، تا بیان این سرنوشت‌ها مایه تذکر و عبرت برای آیندگان باشد؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ/ و ما پیش از تو به رسالت نفرستادیم مگر مردانی را از مردم قریه‌ها که به آنها وحی می‌کردیم. آیا در روی زمین نمی‌گردند تا بنگرند که پایان کار پیشینیان‌شان چه بوده است؟ و سرای آخرت پرهیزگاران را بهتر است، چرا نمی‌اندیشید» (۱) و نیز «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ/ بی شک پیش از شما (ملتهایی و) ستمهایی گذشته است، پس در زمین گردش کنید و ببینید؛ سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه است؟» (۱)

انذار و بشارت: از دیگر روشهای موثر و کاربردی در تربیت اخلاقی که قرآن کریم معرفی کرده است، انذار و بشارت دادن است. انذار مصدر باب افعال از باب «نذر ینذر» اشتقاق یافته و به معنای آگاه شدن به امری، از آن پرهیز کردن و خود را برای آن آماده ساختن است (۱۸) مشهورترین آیه‌ای که به نام آیه انذار نامیده شده، آیه ۲۱۴ سوره شعرا می‌باشد «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» این آیه فرمان خداوند را به پیامبر اسلام مبنی بر انذار خویشاوندانش در آغاز دعوت علنی و در سال چهارم بعثت بیان می‌کند. و دیگر آیاتی نظیر «وانذرهم یوم الحسرة... آنها را از روز حسرت (روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است) بترسان. (۱) و «قل انما انذرکم بالوحی...؛ بگو من تنها بوسیله وحی شما را انذار می‌کنم» (۱) در این آیات نقش بر حذر داشتن و ترساندن نفس از عذاب دردناک الهی که از بی‌آمدهای اعمال زشت و ترک وظیفه است، در پرهیز از نافرمانی خدا مشهود است، قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ

16. F A. Contemporary philosophies of moral education, translated by Hossein Karzan, Marafet magazine, number 61. 2012
17. Q A. Family and Child Education, Chapter 7, Amiri Publishing House, Tehran.1899.
18. Q MM. Traumatic methods in education from an Islamic perspective, Hoza Research Center and University, Qom.2005.
19. T SM. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, vol. 13, Islamic Publications Office, Qom.2019.
20. K M. Interview: Specialized Roundtable on Religious Education, Marafet Magazine, No. 32.2015.
21. M M. Education in Islam, Sadra Publishing House, Tehran.2001.

قرآن کریم، مبتنی بر توجه به بشر بودن مخاطبش دارد و با شناخت دقیق از اقتضائات بشری، برای آسیب های حوزه تربیت بویژه اخلاق، آموزه های بی بدلی دارد که فراگیری و رعایت آنها بهترین راهکار آسیب زدایی از تربیت اخلاقی است.

References

1. Holy Quran.
2. Nahj al-Balaghe Sharif
3. A R. Descriptive Dictionary of Psychology, translated by Yusuf Karimi, Ch. 2, Rushd Publishing House, Tehran.2013.
4. AM O. Al-Mu'jam al-Laghga Al-Arabiya al-Mawdah, volume 3, published by Alam Al-Katb, library of Faqahat school.2008.
5. St R. Seven steps to success, Vol. 1, Nei Publishing, Tehran.1998.
6. A E. Iranian Family (two-volume collection), Parents and Teachers Association Publications, Tehran.2017.
7. RE M. Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an, Jame Al-Tafaseer Noor software.2015.
8. Rasael va Masal, (1380) Vol. 1: Congress honoring Mullah Mahdi and Mullah Ahmad Naraghi. Qom
9. Z M. Islamic educational theory and system building for its realization, Sabra, Tehran.2008.
10. AF K. Kitab Al-Ain, "Algebra" section of Noor specialized encyclopedia.2015.
11. A M. Religiousism and apostasy of youth, Fatian Publishing House, Qom.2012.
12. B AH. Etymology of moral education, Islamic education, Qom.2012.
13. JA A. Tafsir Tasnim, Volume 1, Esra Publishing House, Qom.1998.
14. S M Persian text and translation of Tafsir Sharif Bayan al-Saada fi Maqamat al-Ibadah, Volume 7, Seral Asrar Publishing House, Qom.1993.
15. S S. Aqrab al-Mawdar, "Vow", Ch. 1, Awqaf and Amor Charitable Publishing House, Tehran.1995.